

تحلیل مبانی فلسفی انسان‌شناسی در فلسفه مصر باستان

محمدحسین مددالهی^۱، حسین زمانیه^۲

چکیده

یونانیان از مدتها پیش از ظهور تالس در قرن ششم قبل از میلاد، با فرهنگ مصر آشنایی نزدیک داشته و از دانش آنها بخصوص در حوزه ریاضیات بهره فراوان برده‌اند. در حوزه فلسفه نیز مطالعات اخیر نشان می‌دهد که تالس از نزدیک با تفکر مصر باستان آشنا بوده و در مباحث فلسفی خود متأثر از اندیشه‌های مصریان باستان بوده است. در تفکر مصریان باستان برغم بهره‌گیری از اسطوره‌ها برای تحلیل و تبیین حقایق جهان هستی، رگه‌هایی از تفکر فلسفی به معنی خاص آن نیز دیده می‌شود. در تفکر مصر باستان در مباحثی همچون هستی‌شناسی، سیاست و جامعه و انسان‌شناسی رگه‌هایی از تفکر ناب فلسفی مشاهده می‌شود؛ تفکری که بر محور مفهوم عمیق و ذو ابعاد «مآت» شکل می‌گیرد. مات در عرصه هستی‌شناسی بمعنای نظم، در عرصه سیاست و جامعه بمعنای عدالت و در عرصه انسان‌شناسی بمعنای راستی و درستی است. در عرصه انسان‌شناسی بطور خاص مصریان باستان بر این عقیده‌اند که وجود انسان دارای ابعاد و مراتب نه‌گانه‌یی است که در بین این ابعاد و مراتب نوعی وحدت حاکم است. آنچه باعث ظهور تام این مراتب و بخصوص آخرین

۱۵۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد؛ mytkod@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)؛ zamanaha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۷/۶/۱۱



مرتبۀ آن یعنی تفکر و اندیشه و بتبع آن جاودانگی انسان است، تبعیت از مآت یا قوانین حاکم بر نظام هستی است. بدین شکل، ایشان بین انسان‌شناسی و هستی‌شناسی خود ارتباطی نزدیک ایجاد میکنند.

کلیدواژها: فلسفۀ مصر باستان، فلسفۀ یونان، هستی‌شناسی، مآت، انسان‌شناسی

* * *

مقدمه

امروزه بیشتر چنین گمان میشود که سرچشمه فلسفۀ بمعنای نوعی نگرش علمی و عقلانی به پدیده‌ها در مقابل نگرش اسطوره‌یی و رازآمیز، یونان باستان است. فلسفۀ یونان باستان در حدود شش قرن پیش از میلاد در ایونیا^۱ در سواحل آسیای صغیر که در آن روزگار بخشی از مستعمرات یونان بود، ظهور کرد.^(۱) فلسفۀ یونان در قرن چهارم پیش از میلاد به پیشرفتهای چشمگیری دست یافت. این دوره با حضور سقراط، افلاطون و ارسطو دوره‌ی شکوفایی فلسفۀ یونان، بشمار میرود.^(۲) نقش این دوره در سیر علمی جهان بگونه‌یی است که امروزه نیز آثار آن در شرق و غرب بویژه در حوزه فلسفۀ، مشاهده میشود. عموماً فلسفۀ یونان با تفاسیر مذکور، اولین فلسفۀ در تاریخ بشر بشمار میرود، لکن تمدن یونان باستان، اولین تمدن بزرگ بشری نیست و از آنجا که فلسفۀ و عقلانیت ارتباطی تنگاتنگ با تمدن دارد و هیچ تمدن بزرگی بدون پشتوانه‌های عقلی و فلسفی شکل نمیگیرد، میتوان ادعا کرد که فلسفۀ یونان باستان اولین فلسفۀ نیست و پیش از یونان ما با رگه‌هایی از تفکر فلسفی در تمدنهای پیشین از جمله تمدن مصر باستان مواجهیم. البته این صرفاً یک ادعای بی‌پایه نیست، بلکه برخی مطالعات تاریخی که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد، مؤید این مطلب است.

یکی از تمدنهای بزرگ پیش از یونان باستان، تمدن مصر باستان است. این تمدن در

1. Ionia